

## عنوان مقاله:

خوانش بینامتنی نقاشی پشت شیشه و نگارگری دوره صفوی

## محل انتشار:

فصلنامه رهپویه هنرهای صناعی، دوره 3، شماره 2 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

## نویسندگان:

حسن بلخاری قهی - استاد گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مینا محمدی وکیل - استادیار گروه نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

معصومه زمانی سعدابادی - دانشجوی دکتری، گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

حامد بقال پهباش - کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

## خلاصه مقاله:

هنر نقاشی پشت شیشه به عنوان هنری تریبی پس از رواج یافتن در کشورهای اروپایی به کشورهای آسیایی نیز سوق یافت و در دوره صفویه وارد ایران شد. هنرمندان ایرانی، توانایی خاصی در این هنر یافته و همچون نگارگری رنگ و بوی بومی بدان بخشیده و رواج دادند. نگارگری ایران نیز در دوره صفویه با شکل گیری مکاتب مختلف هنری، هم زمان با تحولات سیاسی و اجتماعی آن دوره رونق داشت. علیرغم تقارب زمانی، تاثیر و تاثرات نقاشی پشت شیشه و نگارگری دوره صفوی مورد مطالعه قرار نگرفته، درحالی که بررسی آن و به طورکلی رابطه بین متون تصویری مختلف با رویکرد بینامتنیت می تواند در تبیین بهتر این روابط راهگشا باشد. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی روابط بینامتنی در آثار هنری مذکور دوره صفویه بر مبنای نظریه ریفاتر درصدد پاسخ به این پرسش اصلی که چه رابطه بینامتنی مابین هنر نقاشی پشت شیشه و نگارگری دوره صفوی وجود دارد؟ برآمده است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه ای و اینترنتی گردآوری شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که با توجه به نظر ریفاتر و نقش اصلی مخاطب در خوانش متن، بین نقاشی پشت شیشه و نگارگری دوره صفوی بینامتنیت احتمالی برقرار است و نقاشی پشت شیشه این دوره ضمن حفظ ویژگی های منحصر به فرد خود تاثیر متون تصویری دیگر را نمایان می سازد.

## کلمات کلیدی:

هنر دوره صفوی، نقاشی پشت شیشه، نگارگری، بینامتنیت، ریفاتر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2087888>

